



هزینه تولید در ایران



هزینه‌های تولید در ایران، صرفاً یک مسئله نظری نیست، بلکه گامی حیاتی و عملیاتی در مسیر دستیابی به اهداف کلان اقتصادی کشور محسوب می‌شود. کاهش هزینه‌های تولید، ضمن افزایش قدرت رقابت‌پذیری محصولات داخلی در عرصه‌های بین‌المللی و جلوگیری از وابستگی بیشتر به واردات، می‌تواند موتور محرکه اشتغال‌زایی و توسعه صنعتی پایدار باشد.

چکیده

مقدمه

هزینه تولید، به‌عنوان یکی از حیاتی‌ترین شاخص‌های اقتصادی، نقشی محوری در تعیین سطح رقابت‌پذیری، میزان اشتغال‌زایی و مسیر توسعه صنعتی ایفا می‌کند. نوسانات ارزی، تورم افسارگسیخته، تحریم‌های بین‌المللی، قوانین و مقررات دست و پاگیر، قیمت‌گذاری انرژی، نرخ بهره بانکی و مشکلات تأمین مواد اولیه ازجمله عواملی هستند که می‌توانند بر هزینه‌های تولید اثرگذار باشند. این عوامل تأثیرات مخربی بر بخش‌های مختلف صنعتی و خدماتی داشته و پیامدهای ناگواری بر تولید داخلی، توان صادراتی، جذب سرمایه‌گذاری و درنهایت رفاه عمومی برجای گذاشته‌اند. نقش و چالش‌های بخش خصوصی در این میان، به دلیل محدودیت‌های دسترسی به منابع، مقررات دستوپا گیر و عدم قطعیت محیط کسب‌وکار، دوچندان شده است. در همین راستا، پیشنهادات سیاستی از قبیل، تمرکز بر کنترل تورم، تسهیل واردات، تخصیص بهینه ارز و ثبات‌بخشی به مقررات و حمایت هدفمند و پایدار از بخش خصوصی از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند.

هزینه تولید، ستون فقرات هر فعالیت اقتصادی مولد محسوب می‌شود و تأثیر مستقیم و غیرمستقیمی بر کلیه جنبه‌های اقتصاد یک کشور دارد. در چشم‌انداز اقتصادی ایران، اهمیت مقوله هزینه تولید، بویژه در شرایط کنونی که کشور با مجموعه‌ای از چالش‌های داخلی و خارجی پیچیده و درهم تنیده دست‌وپنجه نرم می‌کند، بیش‌ازپیش نمایان شده است. نوسانات شدید نرخ ارز، فشارهای تورمی پایدار، تحریم‌های بین‌المللی، عدم قطعیت در فضای کسب‌وکار و چالش‌های ساختاری در تأمین نهاده‌ها و انرژی، همگی عواملی هستند که بر هزینه‌های تولید در کشور سایه افکنده‌اند و مدیریت آن‌ها را به یکی از اساسی‌ترین دغدغه‌های فعالان اقتصادی تبدیل کرده‌اند. درک عمیق و جامع از عوامل مؤثر بر هزینه‌های تولید در ایران، صرفاً یک مسئله نظری نیست، بلکه گامی حیاتی و عملیاتی در مسیر دستیابی به اهداف کلان اقتصادی کشور محسوب می‌شود. کاهش هزینه‌های تولید، ضمن افزایش قدرت رقابت‌پذیری محصولات داخلی در عرصه‌های بین‌المللی و جلوگیری از وابستگی بیشتر به واردات،



مهران سام دلیری

کارشناس ارشد مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران

تورمی موجب جهش بی‌سابقه این نرخ در تابستان (۲۱/۵ درصد) شدند. در سال ۱۴۰۰، تورم بالا ادامه یافت و مذاکرات برجام نیز نتوانست اثر فشارهای ساختاری را کاهش دهد. در سال ۱۴۰۱، با مدیریت بهتر ارز و کاهش انتظارات تورمی، ثبات نسبی و روند کاهشی مشاهده شد، اما از سال ۱۴۰۲ با شکست مذاکرات و تداوم تحریم‌ها، نرخ ارز و هزینه‌های تولید دوباره افزایش یافت. این روند افزایشی در بهار ۱۴۰۴ نیز ادامه داشت و نشان‌دهنده فشار پایدار بر تولید و پیامد آن، افزایش قیمت مصرف‌کننده است.

• تحریم‌ها: تحریم‌های بین‌المللی، ابعاد گوناگونی بر هزینه تولید ایران تحمیل کرده‌اند که می‌توان به‌صورت زیر آن‌ها را دسته‌بندی کرد:

– **قیمت انرژی:** قیمت‌گذاری دستوری و یارانه‌ای انرژی در گذشته، منجر به مصرف بی‌رویه و عدم بهینه‌سازی در این بخش

شده است. تحریم‌ها باعث محدودیت سرمایه‌گذاری خارجی و فناوری در بخش انرژی شده، در نتیجه بهره‌وری کاهش یافته و شوک‌های قیمتی بویژه بعد از هدفمندی یارانه‌ها شدیدتر شده است. برای صنایع بزرگ، این شوک‌ها مستقیم هزینه تولید را بالا برده‌اند.

– **نرخ بهره بانکی:** دسترسی به منابع مالی با نرخ بهره معقول، برای سرمایه‌گذاری و تأمین سرمایه در گردش ضروری است. محدودیت ارتباطات بانکی بین‌المللی باعث افزایش ریسک سیستم مالی و رشد نرخ بهره داخلی شده که هزینه تأمین مالی تولیدکنندگان را تشدید کرده و در نتیجه توان سرمایه‌گذاری و حتی حفظ فعالیت جاری را محدود ساخته است.

– **مشکلات تأمین مواد اولیه:** کمبود، کیفیت نامطلوب و نوسانات شدید در قیمت مواد اولیه داخلی و وارداتی، تولیدکنندگان را با

چالش‌های جدی روبه‌رو کرده است. تحریم واردات و محدودیت مبادلات ارزی، زنجیره تأمین را مختل کرده و قیمت و کیفیت مواد اولیه را ناپایدار ساخته است که ریسک و هزینه تولید بالاتر را به صنایع کشور تحمیل کرده است.

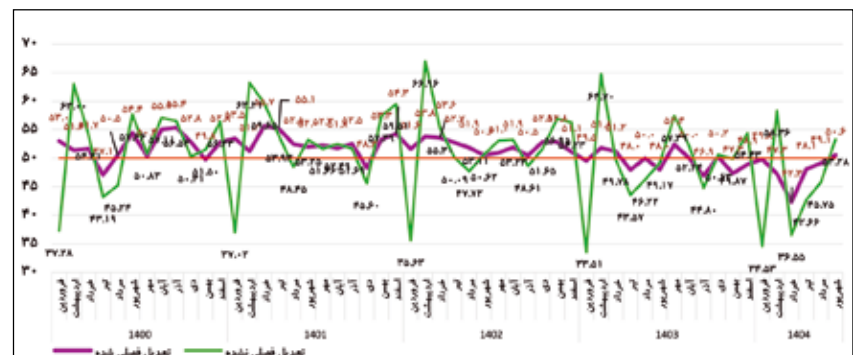
– **قوانین و مقررات:** تحریم‌ها فضای کسب‌وکار را نااطمینان کرده و دولت نیز با تغییرات مکرر قوانین و مقررات مربوط به کسب‌وکار، مالیات، بیمه، کار و غیره برای سازگاری با شرایط تحریمی، بار اداری و هزینه‌های انطباق را برای تولیدکنندگان افزایش داده است.

– **محدودیت دسترسی به بازارهای صادراتی:** تحریم مستقیماً دسترسی به بازارهای جهانی را کاهش داده که منجر به افت فروش، سودآوری و از بین رفتن صرفه مقیاس در تولید صنایع داخلی و کاهش رقابت‌پذیری آن‌ها در عرصه جهانی شده است.

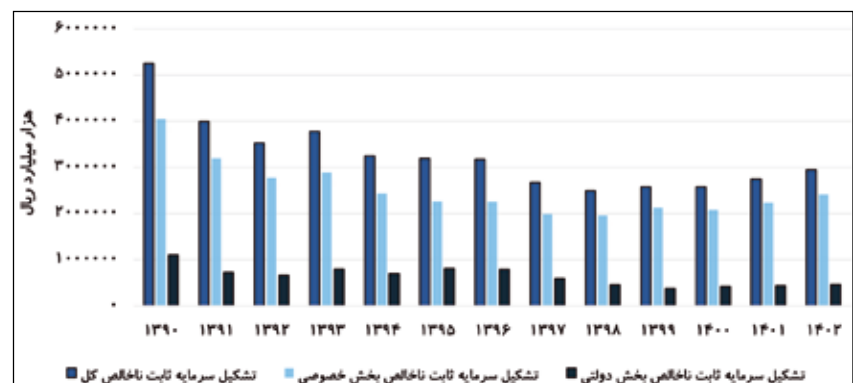
بخش خصوصی و هزینه‌های تولید

بخش خصوصی، به‌عنوان محور رشد اقتصادی، نوآوری و اشتغال پایدار با تکیه بر کارآفرینی و مدیریت بهینه منابع، نقش مهمی در افزایش بهره‌وری و توان رقابتی دارد. با این حال، در اقتصاد ایران با چالش‌ها و موانع ساختاری و عملکردی روبه‌روست که مستقیماً بر هزینه‌های تولید و توان ایفای نقش محوری آن اثر می‌گذارد.

با توجه به نمودار شماره (۳) و بر اساس گزارش شاخص مدیران خرید صنعت ایران (شامخ)، منتشرشده توسط مرکز پژوهش‌های اتاق ایران در شهریور ۱۴۰۴، پس از اعمال تعدیل فصلی، مقدار این شاخص در این ماه بعد از هفت رکود، برای اولین بار در محدوده خنثی (۵۰) قرار گرفته که نشان‌دهنده توقف روند نزولی تولید است. مقدار این شاخص برای شهریورماه ۱۴۰۴ برابر با ۵۰/۶ (افزایش نسبت به ماه قبلی ۴۸/۸) برآورد شده و حاکی از آن است که پس از چهار ماه کاهش متوالی، با عبور از سطح خنثی (۵۰) بیشترین سطح تولید در ۱۱ ماه اخیر را ثبت کرده است.



نمودار شماره (۳) شاخص مدیران خرید (PMI) بخش صنعت (منبع: اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران)



نمودار شماره (۴) روند سرمایه‌گذاری بخش‌های خصوصی و دولتی (منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران)

نوسانات شدید نرخ ارز، حتی با وجود ثبات نسبی در بازار مبادله، موجب بلامتکلیفی تولیدکنندگان و خریداران و بی‌ثباتی قیمت مواد اولیه و محصولات شده است. شرایط ناپایدار بازار باعث شده برخی تأمین‌کنندگان عرضه را متوقف یا محدود کنند و بخشی از واردات به سمت مسیرهای غیررسمی و قاچاق سوق پیدا کند.



چالش‌های پیش روی بخش خصوصی که منجر

به تشدید هزینه‌های تولید شده به صورت زیر

دسته‌بندی می‌شود:

• **ناترازی انرژی:** در مردامه، کمبود برق و ناترازی انرژی موجب اختلال جدی در فعالیت بسیاری از واحدهای صنعتی شد؛ به طوری که برخی شرکت‌ها تا سه روز در هفته با قطعی برق مواجه بوده و بخش قابل توجهی از روزهای کاری خود را از دست دادند.

• **تأمین مواد اولیه و نوسانات ارزی:** افزایش قیمت مواد اولیه، کمبود نقدینگی، تخصیص محدود ارز و مشکلات واردات (از جمله عدم تأیید ثبت سفارش‌ها، طولانی شدن ترخیص و افزایش هزینه‌های گمرکی) دسترسی واحدهای تولیدی به مواد اولیه را به شدت محدود کرده است. نوسانات شدید نرخ ارز، حتی با وجود ثبات نسبی در بازار مبادله، موجب بلامتکلیفی تولیدکنندگان و خریداران و بی‌ثباتی قیمت مواد اولیه و محصولات شده است. شرایط ناپایدار بازار باعث شده برخی تأمین‌کنندگان عرضه را متوقف یا محدود کنند و بخشی از واردات به سمت مسیرهای غیررسمی و قاچاق سوق پیدا کند.

• **رکود تقاضا:** کاهش قدرت خرید مصرف‌کنندگان، بی‌ثباتی اقتصادی و محدودیت‌های ناشی از تحریم یا سیاست‌های داخلی، باعث افت محسوس سفارش‌ها و کاهش تقاضا شده است. شرایط نامتعرف بازار همراه با نوسانات ارزی و رکود اقتصادی، پیش‌بینی تقاضا و برنامه‌ریزی تولید را دشوار کرده و در نتیجه هزینه‌ها را افزایش داده، تقاضا را کاهش داده و برنامه‌ریزی مالی و توسعه کسب‌وکارها را مختل کرده است.

• **نقدینگی و مالی:** کمبود نقدینگی، عدم تخصیص بودجه، کسری تسهیلات بانکی، تأخیر در پرداخت‌ها و افزایش چک‌های برگشتی

فشار زیادی بر شرکت‌ها وارد کرده است. عدم بازگشت سرمایه در گردش و کاهش فروش، مشکل نقدینگی واحدها را تشدید کرده و دریافت تسهیلات بانکی به دلیل محدودیت منابع دشوار شده است. این شرایط موجب تعلیق برخی پروژه‌ها، بویژه طرح‌های عمرانی دولت و شرکت‌های دولتی، به علت محدودیت بودجه عمومی شده است.

• **ساختاری و سیاستی:** فعالان اقتصادی از تداوم سیاست‌های انقباضی که رکود را تشدید کرده است و از پیامدهای تحریم‌ها در محدودیت صادرات و تأمین مواد اولیه گلایه دارند. بروکراسی سنگین، تغییرات مکرر قوانین، همکاری ضعیف

سازمان‌های دولتی و فشارهای مالی ناشی از رویکرد بانک‌ها مشکلات جدی برای فعالیت‌ها ایجاد کرده است. نگرانی‌های ناشی از جنگ، تهدید حمله مجدد و بازگشت تحریم‌ها نیز بی‌ثباتی و کاهش اعتماد را در فضای اقتصادی افزایش داده است. علاوه بر این، کندی اینترنت و مشکلات سامانه‌ها، بهره‌وری کسب‌وکارها را کاهش داده است. به باور فعالان اقتصادی، رفع تحریم‌ها می‌تواند به رشد فعالیت‌ها و بهبود مدیریت ریسک کمک کند.

آمارهای موجود در نمودار شماره (۴) نشان می‌دهد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به قیمت‌های ثابت طی دهه اخیر بیش از





بروکراسی سنگین، تغییرات مکرر قوانین، همکاری ضعیف سازمان‌های دولتی و فشارهای مالی ناشی از رویکرد بانک‌ها مشکلات جدی برای فعالیت‌ها ایجاد کرده است. نگرانی‌های ناشی از جنگ، تهدید حمله مجدد و بازگشت تحریم‌ها نیز بی‌ثباتی و کاهش اعتماد را در فضای اقتصادی افزایش داده است. علاوه بر این، کندی اینترنت و مشکلات سامانه‌ها، بهره‌وری کسب‌وکارها را کاهش داده است. به باور فعالان اقتصادی، رفع تحریم‌ها می‌تواند به رشد فعالیت‌ها و بهبود مدیریت ریسک کمک کند.

ممکن است تسکین‌دهنده موقت باشند، اما به‌تنهایی قادر به حل مشکلات پیچیده و ریشه‌دار فعلی نیستند. برای دستیابی به یک تحول پایدار، لازم است به‌طور همزمان بر محورهای زیر تمرکز شود:

• **اصلاحات در نظام پولی و مالی:** کنترل پایدار تورم، مدیریت نرخ ارز، کاهش نرخ بهره بانکی تا سطوح منطقی و تسهیل دسترسی بخش تولید به تسهیلات اعتباری با وثایق معقول.

• **اصلاحات در نظام اداری و حقوقی:** ساده‌سازی فرایندهای اداری، کاهش بروکراسی، شفاف‌سازی قوانین و مقررات، مبارزه جدی با فساد و ایجاد ثبات و پیش‌بینی‌پذیری در محیط کسب‌وکار.

• **اصلاحات در نظام یارانه‌ها و قیمت‌گذاری انرژی:** بازنگری در یارانه‌های انرژی و حامل‌های آن به‌نحوی که ضمن جلوگیری از اتلاف، تبعات اجتماعی و اقتصادی آن برای اقشار آسیب‌پذیر و بخش تولید مدیریت شود.

• **بهبود روابط بین‌الملل و رفع موانع تحریمی:** تلاش برای رفع تحریم‌های بین‌المللی و بهبود روابط اقتصادی با جهان که امکان دسترسی مجدد به بازارهای جهانی، فناوری‌های نوین و سرمایه‌گذاری خارجی را فراهم می‌آورد.

• **حمایت هدفمند و پایدار از بخش خصوصی:** ارتقای جایگاه بخش خصوصی، حمایت از کارآفرینی، تسهیل سرمایه‌گذاری و ایجاد یک محیط رقابتی عادلانه برای تمام فعالان اقتصادی. **III**

منابع

- بانک اطلاعات سری‌های زمانی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (<https://cbi.ir>).
- مرکز آمار جمهوری اسلامی ایران (<https://amar.org.ir>).
- اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران (<https://iccima.ir>).

مجموعه‌ای پیچیده از عوامل داخلی و خارجی دارد، توان رقابتی بنگاه‌های تولیدی را از طریق افزایش هزینه‌های تولید تضعیف کرده است. ناترازی انرژی (تعطیلی مکرر واحدهای تولیدی)، نوسانات شدید و ادامه‌دار نرخ ارز، رکود تقاضا (کاهش قدرت خرید مصرف‌کنندگان)، جنگ و نگرانی‌های ناشی از تهدید حمله مجدد و بازگشت تحریم‌های بین‌المللی؛ که دسترسی به مواد اولیه را دشوار ساخته، کمبود نقدینگی و عدم تخصیص بودجه برای اجرای پروژه‌ها که تأمین مالی را برای تولیدکنندگان پرهزینه و دشوار ساخته است؛ همگی دست‌به‌دست هم داده‌اند تا فضای کسب‌وکار را برای تولیدکنندگان نامن، پرریسک و فوق‌العاده دشوار سازند و در نتیجه باعث کاهش توان رقابتی صنایع داخلی در عرصه جهانی شده است.

ضرورت اصلاحات ساختاری و سیاست‌گذاری‌های جامع و پایدار

حل ریشه‌ای مسئله هزینه‌های تولید در ایران، نیازمند اتخاذ رویکردی جامع، بلندمدت و مبتنی بر اصلاحات ساختاری عمیق و اساسی است. سیاست‌های کوتاه‌مدت و مقطعی، هرچند

۴۵ درصد کاهش یافته است؛ به‌طوری‌که از ۴۰۵۲ هزار میلیارد ریال در سال ۱۳۹۰ به ۲۴۱۲ هزار میلیارد ریال در سال ۱۴۰۰ رسیده است. در این دوره، سهم بخش دولتی کوچک و تقریباً ثابت باقی‌ماند و بار اصلی سرمایه‌گذاری بر دوش بخش خصوصی قرار داشت. تحریم‌های بین‌المللی از سال ۱۳۹۱ و تشدید آن در سال ۱۳۹۷، همراه با کاهش درآمدهای ارزی ناشی از افت صادرات نفت، نوسانات شدید نرخ ارز، تورم مزمن و تغییرات مکرر مقررات، محیط سرمایه‌گذاری را پرریسک و غیرقابل‌پیش‌بینی ساخت و باعث کاهش انگیزه سرمایه‌گذاری بلندمدت شد. پیامد این افت سرمایه‌گذاری، فرسودگی تجهیزات و خطوط تولید، ضعف بهره‌وری و افزایش هزینه متوسط تولید بود که در شرایط تورم بالا، رقابت‌پذیری صنایع داخلی را در بازارهای جهانی و حتی داخلی کاهش داد و فشار قیمتی بیشتری بر مصرف‌کنندگان وارد کرد.

جمع‌بندی

هزینه تولید در اقتصاد ایران، طی سال‌های اخیر با افزایش چشمگیر و نگران‌کننده‌ای روبه‌رو بوده است. این پدیده که ریشه در

